

زن تراز مکتب

**ومن المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمهنم من قضی نحبه
ومنهم من ینتظر وما بدلوا تبديلا (احزاب 23)**

اعظم طالقانی دختر آیت الله طالقانی روز چهارشنبه در تهران دارفانی را وداع گفت و پیکرش در روز جمعه در بهشت زهرا در جوار تربت پدرش به خاک سپرده شد .

او که متولد سال 1322 بود تحت تربیت مرحوم پدرش با آموزه های مذهبی و سیاسی آشنا شد و از جوانی راه پدر را انتخاب کرد . راهی که طالقانی به او آموخته بود مبارزه در راه عدالت ، آزادی و برابری انسان ها برگرفته از تعالیم مکتب اسلام بود . اعظم از پدر آموخته بود که زندگی در این دنیا اگر در راه نجات انسان ها و مبارزه با ظلم و نابرابری نباشد جز گذران عمر نخواهد بود .

اعظم از همان نوجوانی شاهد تلاش های پدرش در مقابله با رژیم برآمده از کودتای 28 مرداد بود . هنوز دهه سوم زندگی خود را آغاز نکرده بود که شاهد بازداشت های پی در پی پدر بود . که در سومین بازداشت منجر به صدور رای ده سال شد . مشاهده این ظلم و نابرابری و سلب حقوق اولیه از طالقانی و همزمانش و دیگر آزادیخواهان سبب شد تا او به طور جدی به عرصه مبارزه با رژیم وابسته شاه وارد شود . فعالیت مستمر در عرصه مبارزه و از جمله آنها ارتباط و حمایت همه جانبه از نیروهای سیاسی مخالف رژیم ، جمع آوری کمک های مالی و تبلیغ به سود مبارزه و نیز حمایت از خانواده های محکومان سیاسی در رژیم سابق بود موجب برانگیختن حساسیت ساواک شد و در نتیجه در سال 1353 از سوی ساواک بازداشت و در بیدادگاه های رژیم به حبس ابد محکوم شد . محکومیت یک زن به حبس ابد بازتاب فراوانی در داخل خارج ایران داشت . در دوره ای که محکومیت نیروهای غیر مسلح مخالف رژیم حداکثر دوسال زندان بود محکومیت یک زن به حبس ابد او را به یکی از مشهورترین زنان سیاسی و زندانیان زن تبدیل کرد .

از سوی دیگر این ویژگی که اعظم طالقانی فرزند یک روحانی مجتهد بود خود سبب می شد تا تابوهای بسیاری در جامعه ما بشکند. در جامعه ما که تا سال 1350 مبارزه فقط مخصوص مردان بود و اندک شمار از زنانی که پا در عرصه مبارزه گذاشته بودند نیز از میان اقشار دانشجو بودند و کمتر شاهد فعالیت زنان مذهبی در عرصه سیاسی بودند، اعظم طالقانی و تنی چند همچون او که پرورده خانواده ای مذهبی بودند و با رعایت جوانب شرعی مبارزه با ظلم را بر زندگی راحت و آرامش صوری زندگی دنیوی برگزیده بودند در عرصه سیاسی تاثیر بسزایی داشت.

اعظم طالقانی بعد از پیروزی انقلاب عرصه سیاسی و اجتماعی را ره نکرد. در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی از تهران نامزد وکالت مردم شد و با بیش از یک میلیون رای به مجلس راه یافت و چهار سال در عرصه نمایندگی مردم انجام وظیفه کرد.

اما او فقط فعال عرصه سیاسی و به ویژه در عرصه قدرت نبود. طالقانی از همان ابتدای پیروزی انقلاب علاوه بر عرصه سیاسی و از جمله تاسیس جامعه زنان انقلاب اسلامی به عنوان بستری برای ادامه فعالیت های سیاسی خود، در عرصه مدنی به ویژه در زمینه فرهنگی و کارآفرینی و تلاش در عرصه حقوق زنان نیز به خدمت جامعه خود درآمد. اعظم طالقانی از سال 1359 با نشریه «پیام هاجر» پا به عرصه مطبوعات گذاشت. نشریه ای که به رغم همه موانع و مشکلات تا سال 1379 به انتشار ادامه داد. پیام هاجر نشریه ای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود و یکی از مهمترین اهدافش طرح مسائل و مشکلات زنان و تلاش در جهت یافتن راه حل برای این معضلات بود. پیام هاجر که تا خرداد 1376 به صورت ماهنامه و برخی اوقات با فواصل بیشتر منتشر می شد بعد از خرداد 1376 تا زمان توقیف به صورت هفتگی و به صورت منظم منتشر شد.

فعالیت مطبوعاتی خانم طالقانی از سال 1393 و با انتشار ماهنامه «پیام هاجر» از سرگرفته شد. فعالیت که تا روزهای پایانی عمر ادامه یافت. خانم طالقانی علاوه بر انتشار نشریه فعالیت گسترده فرهنگی دیگری نیز داشت که از جمله آنها تلاش برای بازنشر تالیفات مرحوم آیت الله

طالقانی وبه ویژه تفسیرهای قرآن وی بود . وی در این راه با همراهی جمعی از صاحب نظران و از جمله یارهمیشگی آیت الله طالقانی به انتشار تفسیر پرتوی از قرآن و تفاسیر پراکنده دیگر ایشان اقدام نمود .

یکی از فعالیت ها و اقدامات ویژه اعظم طالقانی ثبت نام وی در انتخابات دوره های هفتم، نهم و نیز یازدهم به منظور اثبات حق زنان برای نامزدی پست ریاست جمهوری بود. او بعد از رد صلاحیت خود در دوره هفتم از سوی شورای نگهبان در نشریه پیام هاجر نوشت: "از قرینه کلام استنباط می شود که رد صلاحیت خانم ها نه از باب جنسیت یا زن بودن بلکه از این باب بوده است که این خانم ها رجال به معنای شخصیت ها و نخبگان سیاسی و مذهبی نبودند." او در همین بیانیه تاکید کرد: «به تلاش خود تا اعلام تفسیر روشن و شفاف شورای نگهبان ادامه خواهم داد».

برداشت طالقانی درباره صلاحیت زنان برخاسته از آموزه های قرآنی وی و مبتنی بر آیات قرآن بود . او با استناد به آیه ۷۴ سوره توبه معتقد بود زنان و مردان می توانند، «ولی» یکدیگر باشند. به گفته ایشان: "اگر قرار باشد ریاست جمهوری بخشی از «ولایت» باشد و بگویند زنان نمی توانند ولایت داشته باشند، پس وزرا و معاونین هم هستند، مدیرکل ها و تمام کسانی که در نظام کار می کنند و در استخدام آنها هستند هم جزیی از «ولایت» محسوب می شوند بنابراین هیچکدام از این افراد نباید زن باشند. یعنی زن ها مدیرکل نباشند، مدیر بانک نباشند، مدیر مدرسه نباشند و کلاً هیچ کاره باشند... من اصلاً ناامید نیستم، ممکن است من دیگر نباشم، ولی دیگران بتوانند به این خواسته برسند. تا زمانی که زنده باشم، این اعتراض را نسبت به این خواسته زنان خواهم داشت."

اما چنان که گفته شد اعظم طالقانی علاوه بر عرصه سیاسی و فرهنگی در عرصه مدنی نیز فعالیت داشت . تاسیس کارگاه های مختلف از جمله در زمینه های گوناگون و از جمله در زمینه تولید البسه و به کارگیری زنان در این عرصه از جمله این اقدامات بود .

اعظم طالقانی به رغم همه این اقدامات اجتماعی ، در عرصه خانواده نیز فردی مسئول و وظیفه شناس بود . تربیت فرزندان و حفاظت از کیان خانواده و به ویژه نگهداری از فرزندی که با ناتوانی پا به عرصه حیات گذاشته بود از جمله دیگر ویژگی های

او بود . فرزندی که به جز در دوران های خاص زندان یا بیمارستان همواره سایه پرمهر مادری را تمام و کمال احساس نمود . طالقانی به رغم بیماری های جسمی خود هیچ گاه مسئولیت مادری خود را فدای نگهداری از فرزند نکرد .

این ویژگی ها و خصوصیات بسیار دیگر و تلاش برای آزادی و عدالت بود که از او زنی در تراز مکتب ساخته بود . زنی که اسیر دنیا نبود و تا پایان عمر در راه آرمان های اصیل و کتبی خود به تلاش ادامه داد .

